

# نوشتار دانشجویان در دانشگاه: مسائل فرهنگی و معرفت‌شناختی

کریس جونز، جون سررا، برایان استریت  
ترجمه: مهسا شایخان



پژوهش و مطالعات فرهنگی و اجتماعی  
وزارت علم، فرهنگ و تفریح



پژوهشگاه مطالعات اسلامی  
دانشگاه قم

## نوشتار دانشجویان در دانشگاه: مسائل فرهنگی و معرفت‌شناختی

کریس جونز، جون ترنر و برایان استریت

ترجمه: مهسا شیخان

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طرح جلد: موسی مرتضوی فر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

میت: ۱۶۰ روم

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰-۱۳-۴

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: [www.iscs.ac.ir](http://www.iscs.ac.ir)

پست الکترونیکی: [info@iscs.ac.ir](mailto:info@iscs.ac.ir)

کلیه آثار این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تایید پژوهشکده نیست.

عنوان و نام پدیدآور: نوشتار دانش‌پژویان در دانشگاه: مسائل فرهنگی و معرفت‌شناختی / کریس جونز،

جون ترنر و برایان استریت؛ ترجمه مهسا شیخان

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۱۸ص: جدول: ۱۴/۲۱×۵/۲۱، س.م.

شابک: 978-600-8905-13-4

یادداشت: عنوان اصلی: Students writing in the university: cultural and epistemological issues c1999.

موضوع: زبان انگلیسی -- انگلستان -- معانی و بیان -- راهنمای آشنایی

موضوع: Academic writing -- Study and teaching

شناسه افزوده: جونز، کریس

شناسه افزوده: Jones, Carys

شناسه افزوده: ترنر، جون، ۱۹۵۱ - م.

شناسه افزوده: Turner, Joan

شناسه افزوده: استریت، برایان وی.

شناسه افزوده: Street, Brian V.

شناسه افزوده: شیخان، مهسا، ۱۳۶۱ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن ۸ الف / PE۱۴۰۵

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۴۳۰۷۱۱۴۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۱۳۹۲۵

## فهرست

۷ ..... دیباچه پژوهشکده

۹ ..... مقدمه

### بخش یکم: تعامل با نهاد

۱. تأکید بر پیشینه [مطالعاتی] در یادگیری دانشگاهی / مونیکا هرمراشمیت ..... ۱۰

۲. دانشجویان در مقاله‌هایشان چه می‌گویند؟ به سوی چهارچوبی توصیفی برای تحلیل نوشتار دانشجویان /

فیونا انگلیش ..... ۵۱

۳. دانشجویی از آن سوی آب‌ها و دانشگاه بریتانیایی: در جست‌وجوی راهی برای موفقیت / کریس جونز ..... ۷۵

۴. درباره برهم‌زدن «آرامش گروه‌مان»: مشکل ملاقات با محقق / گراهام لو و لاتیلا وودبرن ..... ۱۰۹

۵. نوشتن تکالیف درباره P.J.C.A: دو مطالعه موردی / برندا گی، کریس جونز و جین جونز ..... ۱۳۹

۶. سوادهای دانشگاهی و یادگیری در آموزش عالی: ساخت دانش از طریق متون و تجربه / مری آر لی ..... ۱۷۳

بخش دوم: ابهام و وضوح در سوادهای دانشگاهی

۷. کدام «عقل سلیم»؟ سواد مقالهای و کنش نهادی امر مبهم / ترزا لیلیس ..... ۲۱۳
۸. سواد دانشگاهی و گفتمان وضوح / جون ترنر ..... ۲۴۱
۹. ابداع سواد دانشگاهی از دیدگاه امریکایی / گاترین دیویدسون و آلیس تومیک ..... ۲۵۷
۱۰. عاملیت و ذهنیت‌گرایی در نوشتار دانشجویان / مری اسکات ..... ۲۷۱
۱۱. سوادهای دانشگاهی / برایان وی. استریت ..... ۳۰۳
- یه ..... ۳۱۳

## مقدمه

کریس جونز<sup>۱</sup>، جون ترنر<sup>۲</sup> و بریان استریت<sup>۳</sup>

با گسترش آموزش عالی در تعدادی از کشورها (بریتانیا، امریکا، افریقای جنوبی و غیره)، تمرکز [مطالعات این حوزه] به یک روزافزونی متوجه «مشکلاتی» شد که دانشجویان در نوشتار دانشگاهی با آن مواجه هستند. کتاب حاضر تلاش می‌کند به این مسائل از دیدگاهی گسترده‌تر و نه دیدگاه موجود در رویکردهای غالب - پردازد که آموختن مهارت‌ها را به جای [مغفول‌ماندن] مسائل عمیق‌تر و بنیادی‌تر فرهنگی و معرفت‌شناختی محدود نماید. قرار می‌دهند. با مطالعات موردی مفصل دربارهٔ مواجههٔ دانشجویان با فرایند نوشتار، نویسندگان ویژگی‌های زیربنایی زندگی دانشگاهی را که اغلب به شیوه‌ی به نظر می‌رسد، روشن کردند. همچنین یادگیری به عنوان کنش اجتماعی و نه کنش فردی مورد بررسی است؛ یعنی توانمندساختن معلم و دانشجو در ارتباط با دیدگاه‌های خاص فردی و اجتماعی‌شان درباره آنچه نهادها برای آن مفهوم‌سازی کرده‌اند و تنظیم شده‌اند. با اینکه داده‌های مورد بررسی، «مشکلات»

دانشجویان خارجی و غیرانگلیسی‌زبانان را در دانشگاه‌های انگلستان در سطوح کارشناسی و تحصیلات تکمیلی دربرمی‌گیرد، ولی این مقاله‌ها «مشکلات» را به‌مثابه مفهومی غالب ارزش‌گذاری نمی‌کنند، بلکه به دنبال موقعیت‌یابی مسئله نوشتار دانشجویان و واکنش اساتید دانشگاه به آن در هم‌بافت‌های گسترده‌تر نهادی هستند که از ریشه‌های فرهنگی و معرفتی خاصی برخوردار است. این [روکرد]، تمرکز را از دیدگاه‌های کنونی مرتبط با مسئله فقدان دسترسی به نمایان دانشگاهی در میان دانشجویانی با پیشینه‌های غیربومی - چه در کشور و یا تراس در - داشته و در مقابل مسائلی را در ارتباط با اتفاقی که در نوشتار دانشجویان در آن رخ می‌دهد و فرضیه‌های مرتبط با آن درباره دانش و رابطه دانشجویان - اساتید - که چنین فرایندی را شکل می‌دهد، طرح می‌کند. در همین راستا، مقاله‌های نوشتار حاضر، مسائل گسترده‌تری را درباره مسئله سنجش نوشتار دانشجویان توسط اساتید و دانشجویان طرح کرده است و به‌طور خاص، اهمیت دامنه‌های مختلف فعالیت برای چگونگی درک نوشتار مثل موضوعات رشته‌های تحصیلی مختلف، انگلیسی برای اهداف دانشگاهی<sup>۱</sup>، نوشتار در میان مطالب درسی<sup>۲</sup>، و فعالیت‌هایی از این دست را مورد بررسی قرار می‌دهد. تمرکز و تأکید بر روابط طرفین این فرایندها (مدرس، پرستار، مجریان) توجه را از «سرزنش» و قضاوت به سوی درک فرایندهای اجتماعی، به‌دست آورده است که تولید متون و کاربرد زبان‌های تخصصی مختلف در آن اهمیت پیدا می‌کند. در نهایت، تمرکز نه تنها بر مشارکت‌کنندگان آنی در فرایند نوشتار به‌دستی اساتید و دانشجویان، بلکه بر نهاد به‌عنوان یک کل و به‌مثابه هم‌بافت در درون این فعالیت نیز جلب می‌شود. همچنین رویکرد حاضر، نگرش تطبیقی نوشتار دانشگاهی در هم‌بافت‌های ملی و نهادی را آسان می‌سازد. این مسئله درباره نوشتار دانشگاهی در بریتانیا و آمریکا، در یکی از مقاله‌های اثر حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

## مسائل فرهنگی و معرفتی

در سطح نظری و روش‌شناختی، کتاب حاضر با پرداختن به مسائلی از این دست و داده‌های موردی به‌عنوان کنش‌های گفتمانی و اجتماعی و نیز با طرح روابط قدرت و چگونگی مفهوم‌سازی و توصیف آن، زمینه‌های نوینی را [در مطالعه] شکل داده است. این مباحث در هم‌بافت رویکردهای کارکردی، فرهنگی و تقادانه به مطالعه نوشتار جایابی شده‌اند. در تمامی این مقاله‌ها، تحلیل دقیق زبانی و گفتمانی، با تفاسیر گسترده‌تر اجتماعی و نهادی مرتبط هستند: نویسندگان با شکل‌های گوناگون، روش‌های پرداختن به روابط عاملیت و ذهنیت‌گرایی از یک سو، و شکل‌گیری نهادها از طریق روابط گفتمانی را از سوی دیگر مدنظر قرار داده‌اند. در سرتاسر کتاب این بحث مطرح است که سطح بازنگری آموزش‌های و فرایندها و فعالیت‌های نوشتاری آن نباید تنها بر مهارت‌ها و کارآمدی‌شان [متمرکز] باشد، بلکه باید سطحی معرفتی<sup>۱</sup> را در بر بگیرد؛ اینکه دانش چیست و چه کسی در برابر آن اتوریته دارد؟ هویت (ارتباط میان شکل‌های نوشتار و ساخت خود و فاعلیت چیست؟ و قدرت چگونه موقعیت‌ها و ادعاهای ایدئولوژیک و جزئی را در فرایندهای نوشتار و بازخورد و سنجش که کل ماهیت فعالیت دانشگاهی را شکل می‌دهد، بی‌طرفانه و بدیهی می‌سازد. تعدادی از نویسندگان به ماهیت مبهم و وجود تعارضات در این فعالیت پرداخته‌اند، و این کتاب به‌طور کلی تلاش می‌کند آنچه را که پنهان مانده است، آشکار کند و زبان و شیوه‌ای را برای نفوذ به سطوح مبهم هادهای آموزش عالی و فعالیت‌های آن بیابد. پیامد چنین دیدگاه گسترده‌تر و نظری‌ای به نوشتار دانشجویان در حوزه «نوشتار دانشگاهی» باید کمتر به‌عنوان آخرین راه‌حل جبرانی، و به شکلی جدی‌تر در موقعیت محوری خود در ساخت دانشگاه و بنابراین یک حوزه اصلی تحقیقات و نظریه مورد توجه قرار بگیرد.



مسائلی که در قالب انتظارها از دانشگاه و حمایت از آن ارائه شده‌اند، به شکل اجتناب‌ناپذیری بسیار گسترده، عمیق و برخورداری از ارتباطات داخلی بوده و در دنیای «میان‌فرهنگی» و «بین‌المللی» امروز برای رسیدن به مفهومی انقلابی از آموزش عالی بسیار حیاتی به نظر می‌رسند. به واسطه [ارائه] مباحث [گوناگون] پیرامون نوشتار دانشجویان، کتاب حاضر به دنبال آگاهی‌بخشیدن [نسبت] به مایه‌ت در حال تغییر دانشگاه در محیط بین‌المللی است. تغییراتی را که در بدنه دانشجویی و در ارتباطات جهانی در میان دست‌اندرکاران دانش رخ می‌دهد، می‌توان آسولی و مسیر «دوگانگی فرهنگی» دانست. دانشگاه به جای آنکه خود را به عنوان یک بدنه یکدست و متحد بازنمایی کند که افراد بیرون از آن باید با یادگیری نحوه ایش و آن دسترسی پیدا کنند، اکنون لازم است مباحث و مذاکره‌های بیشتری را در میان کف‌ها و فرایندهای این نهاد خاص از یک سو و بی‌همتایی تاریخیچه و گذشته‌رسان‌ها و فرهنگی تک‌تک دانشجویان از سوی دیگر، صورت دهد. در این محیط تازه، مورد دوم نقش بسیار تأثیرگذاری بر هویت دانشگاه خواهد داشت. نویسندگان این کتاب نیز تنوع را منبعی برای غنی‌تر شدن آن می‌بینند. در این دیدگاه، به جای آنکه بدنه دانش‌بدیهی و نظام‌های آن را تنها اقلیتی قدرتمند تعیین کنند، تمامی طرفین یادگیری (مستولان، مدرسان، اعضای هیئت علمی، و دانشجویان) باید در این فرایند پویا و دائمی سهیم باشند. این آگاهی مشترک نیازمند درکی دوجانبه از دیدگاه‌های دیگران در قالب دیدگاه‌های ارزشمند است، تا جایی که بتوان ترس از بی‌ثباتی فرد و نهاد را بی‌مخاطره دانست. دیدگاه دانش به عنوان فرایند و اتوریت به عنوان امری چندوجهی، شیوه متفاوتی از تفکر درباره نیازمندی‌های نوشتار در آموزش عالی را می‌طلبد، و به بینش‌های نوینی می‌انجامد که می‌تواند به توضیح «مسائل» روشنی کمک کند که برخی دانشجویان در مواجهه با این محیط در حال تغییر با آن روبه‌رو هستند.



مباحث کنونی، نوشتار دانشجویان را فرایندی گفتمانی در تقابل با انتظارهای نهادی می‌بیند؛ فرایندی که برای اغنای دیدگاه‌های متعدد میان‌فرهنگی بسیار مهم است. یافته‌های این نویسندگان نشان می‌دهد دانشگاه احتمالاً بیشتر پذیرای تغییرات، شکل‌گیری و باز شکل‌گیری از طریق اعضای مختلف آن است. آنان بر پرهیز از قضاوت‌های سطحی درباره اهداف دانشجویان بر مبنای نوشتارشان تأکید کرده به دنبال درک عمیق‌تری از این فرایند هستند. برخی از این نویسندگان نشان می‌دهند چگونه دیدگاه‌ها و ادراک‌های جایگزین درباره مسائل شکل می‌گیرند و در فرایند معنای نوشتار در تقابل با این پیشینه‌های بسیار عمیق و غنی، با آگاهی از این می‌تواند مخرب باشد. <sup>۱</sup>، با رویکرد سواد دانشگاهی، دو رویکرد انسانی به نوشتار دانشجویان در میان تکالیف بزرگ‌سالان برای واحدهای آزاد دانشگاهی پیشنهاد می‌کند: «بازنویسی متون» به عنوان رویکردی دربرگیرنده، با متون صلح به عنوان دانش که با کلمات دانشجویان بازنمایی شود؛ و رویکرد «مسو» چالش‌برانگیز که شامل ایجاد ارتباط میان تجربه‌های فردی دانشجویان و مطالعه آنان در ادبیات و متون خاص در دسترس آنان است که اغلب به طرح پرسش و برای به چالش کشیدن دانش ارائه شده، ختم می‌شود؛ با این حال، ممکن است اختلافی در ارتباط با دیدگاه مدرسان درباره متن و اینکه دانشجو چگونه باید متن بازنمایی کند، رخ دهد [و] ممکن است بیشتر بر نزدیکی نوشتار به متن اصلی متوجه گردند، تا کشمکش‌هایی که دانشجو برای به چالش کشیدن آن تجربه می‌کند. این تفاوت‌ها و گاهی فقدان درک مرتبط با آن در مورد آنچه دانش، یادگیری و نوشتن به شمار می‌آید، ممکن است به ناامیدی استاد و دانشجو منجر شود. برای مثال، انگلیش<sup>۲</sup> و لیلیس<sup>۳</sup>، تأثیرات مخرب بدفهمی بر دانشجویان درباره نیازمندی‌های

1. Lea

2. English

3. Lillis

پنهان نهاد را نشان داده‌اند؛ مثلاً اینکه چگونه این سوء تفاهم‌ها می‌تواند در فعالیت‌هایی مانند نوشتن تکالیف بروز کند. آنان نشان می‌دهند چگونه گفتمان با شیوه‌های متفاوت از معنای مورد نظر، ارائه و سپس تفسیر می‌شود. لیلیس نشان می‌دهد چگونه می‌توان اعتبار مقاله‌های سنجیده‌شده را با شیوه‌ای که پرسش‌ها مطرح می‌شوند، به چالش کشید و چگونه کشمکش‌های دانشجویان بر آن تفسیر پرسش‌ها با مسائل شخصی‌شان ترکیب می‌شود.

هرمر/شمیت<sup>۱</sup> در مطالعه موردی خود، بدفهمی را به مسائل قدرت مرتبط می‌داند: وی استدلال می‌کند فرصت‌های فهم دانشجویان از سوی اتوریته در قدرت بسیار کم و محدود است؛ به شیوه‌ای که دانشجویان درمی‌یابند باید بازی‌ای را با قدرتمندان به بازی بیاورند، به جای اینکه بخواهند به‌طور کامل به توسعه شیوه‌های فردی دانشگاهی خود متعهد شوند. اسکات<sup>۲</sup> نیز نشان می‌دهد دانشجویان ضمن آگاه‌سازی این مسئله که احتمالاً چگونه توسط دیگران تفسیر می‌شوند، و بنا به سبب خود، گفتمان‌های پنهان خود را شکل می‌دهند. گی و جونز<sup>۳</sup> نشان می‌دهند در آگاه‌سازی مدرس در غلبه نهادهای فرهنگی‌ای ریشه دارد که می‌تواند برای ناتوان کردن دانشجویان در پرداختن به مطالعات‌شان عمل کند. دیویدسون و تامپسون<sup>۴</sup> نشان می‌دهند چگونه فعالیت‌های فرهنگی متفاوت می‌توانند در بحث آن‌ها در آگاه‌سازی آمریکا در فعالیت‌های نوشتار با فرهنگ اروپایی انگلستان قابل قیاس باشند.

انگلیش، لیلیس، لو و وودبرن<sup>۵</sup> و جونز<sup>۶</sup> در رویکردهای مطالعات موردی خود، همگی موافق این نظر هستند که آگاهی زمانی ارتقا می‌یابد که فرصتی برای بحث درباره معنای مورد نظر و معناهای تفسیرشده ایجاد

1. Hermerschmith
2. Scott
3. Gay, Jones & Jones
4. Davidson & Tomic
5. Low & Woodburn
6. Jones

شود. لو و وودبرن نشان می دهند چگونه اصول همیاری مکالمه‌ای گریس<sup>۱</sup> را می توان برای کاستن از مسائل فرهنگی گفتمان به کار گرفت. جونز نشان می دهد چگونه رویکردی مبتنی بر فعالیت می تواند مسائل یک گفتمان پنهان را برای آشکار [و دیده شدن] تقویت کند. ترنر<sup>۲</sup> با موضع عمومی تری استدلال می کند فهم مشترک به آگاهی نقادانه تری از تسلط<sup>۳</sup> و فقدان رضخ گفتمان نهادی می انجامد. وی تأکید می کند چگونه فعالیت های سنتی به شکلی فریبنده، فرهنگی را توسعه داده اند که در آن آگاهی از معنی پنهان کلمات گفتمان، نفی شده و به عقب رانده می شود. استریت استدلال می کند نه بدیق مسائل معرفتی پیچیده زیربنایی در فرایند نوشتاری دانشجویان به اصول یا فرایندی بوده تا تنها مهارت بر تمام گفتمان غالب شود. مطالعه وی پیشنهادی متمایزی را با با ارجاع به محرکی مشترک و مرتبط با هم ارائه می دهد.

متن کوتاهی از برایان استریت درباره سواد دانشگاهی «در انتهای کتاب آمده است». این متن کوتاه در ابتدا نتیجه تجربه وی از تلاش برای روشن ساختن فرضیه هایش درباره سواد دانشگاهی - این دانشجویانش بوده است. این نوشته در میان گروه های همکاران و برخی کارنامه های [مرتبط با] این موضوع منتشر شده است و افراد بسیاری به آن پاسخ های کتبی داده اند. این [پاسخ] ها برای جلب توجه مخاطب به سبک نوشتاری، به جای اینکه در خلاصه مقاله استریت گنجانده شوند، به عمد در شکل نخستین خود حفظ شده اند تا خواننده مجبور شود مسائلی را که اغلب بدیهی انگاشته می شود - مثل قالب سنتی و چیدمان «متن مقاله ای» - مورد بازبینی قرار دهد. تمرکز بر این یادداشت، پایه های آنچه در دانشگاه نوشتار محسوب می شود را به چالش

1. Grice's Cooperative Principle

2. Turner

3. Dominance

می‌کشد: با موقعیتیابی مباحث در سطح مسائل معرفتی و فرهنگی، نویسندگان امیدوارند بتوانند هم‌بافت گسترده‌تری ارائه دهند که در آن نوشتار دانشجویان هم به عنوان یک مسئله تحقیق و هم در سطح سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار گیرد (کرم و لی، ۱۹۹۷).

### مدل‌های نوشتار دانشجویان در آموزش عالی

سیاسی از نویسندگان در این کتاب به مدل‌های نوشتار دانشجویان که توسط لی و استریت (۱۹۵۸) معرفی شده، ارجاع داده‌اند و مبنای تحقیقات خود درباره درک از نوشتار در دانشگاه‌های انگلستان را بر پایه این مدل‌ها قرار داده‌اند. آنان میان مدل‌های مختلف نوشتار دانشجویان تفاوت می‌گذارند: فنون یادگیری<sup>۱</sup>، جامعه‌پذیری دانشگاهی<sup>۲</sup>، سوادهای دانشگاهی<sup>۳</sup>، همچنین [معتقدند] دیدگاه جامعه‌پذیری گاه رویکرد معروف یادگیری را به حاشیه می‌راند و خود نیز تفسیرهای محدودی از فرایند یادگیری و ناهمبندی‌های نوشتار را شامل می‌شود. آن‌ها از رویکرد سواد دانشگاهی [یاد می‌کنند] که درکی گسترده‌تر، نهادینه‌تر و اجتماعی‌تر از فرایندهایی را که نوشتار از چرخش آن در آموزش عالی تنیده شده است، ممکن می‌کند. مفهوم سوادهای دانشگاهی از «حوزه مطالعات جدید سواد»<sup>۴</sup> به عنوان تلاشی برای ارائه کاربردهای این رویکرد برای درک ما از مسائل یادگیری دانشجویان ارائه شده است. این سه مدل (شکل شماره ۱) دوبه دو ناسازگار نیستند، و نویسندگانی که در کتاب حاضر به آن‌ها ارجاع داده‌اند مثل لی و استریت، به دنبال قراردادن این سه مدل در یک مدل ساده خطی - زمانی نیستند که مدلی بر مدل دیگر پیشی می‌گیرد و یا بینش‌های مدل دیگر را جایگزین می‌کند؛ بلکه آن‌ها تمایل دارند هر مدل به ترتیب مدل‌های [پیشین خود] را دربرگیرد؛ به گونه‌ای که دیدگاه‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی به

1. Crème & Lea
2. Study Skills
3. Academic Socialization
4. Academic Literacy
5. New Literacy Studies

فنون یادگیری هم می‌پردازد اما آن را در یک هم‌بافت گسترده‌تر فرایندهای فرهنگی‌سازی که در ادامه توضیح داده خواهند شد، قرار می‌دهد. به همین شکل، رویکرد سوادهای دانشگاهی که دربرگیرنده مدل جامعه‌پذیری دانشگاهی است، بر بینش‌هایی که در آن مدل ارائه شده و نیز [براساس] دیدگاه فنون یادگیری توسعه‌یافته است.

#### ۵ کل شماره ۱. مدل‌های نوشتار دانشجویان در آموزش عالی

##### • مهارت‌های مطالعه

کاستی‌های دانشجویان

«درستش من» مهارت‌های تکه‌تکه و اتمی؛ زبان سطحی، دستور زبان، تلفظ

منابع: روان‌شناس رفتاری و تحصیلی؛ یادگیری برنامه‌ریزی‌شده

نوشتار دانشجویان به عنوان «رسمی و ابزاری

##### • جامعه‌پذیری دانشگاهی

فرهنگی‌سازی دانشجویان در نوشتار دانشگاهی

فهماندن و قراردادن دانشجویان در «فرست»؛ تمرکز بر گرایش دانشجویان به

یادگیری و تفسیر فعالیت یادگیری مانند «عمیق»، «سطحی»، یادگیری «راهبردی»؛

«فرهنگ» همگن؛ فقدان تمرکز بر فعالیت‌های نهادی، تأثیر قدرت

منابع: روان‌شناسی اجتماعی؛ انسان‌شناسی، ساخت‌گرایی

نوشتار دانشجویان به عنوان یک رسانه شفاف بازنمایی

##### • سوادهای دانشگاهی

تشخیص دانشجویان از فعالیت‌های سواد متناقض

سوادها به عنوان کنش‌های اجتماعی در سطح معرفت‌شناسی و قدرت، انوار

منابع ارتباطی مانند ژانرها، حوزه‌ها، رشته‌های دانشگاهی؛ تبدیل دوباره

فعالیت‌های زبان‌شناختی، معناهای اجتماعی و هویت‌ها

منابع: مطالعات جدید سواد؛ تحلیل گفتمان نقادانه؛ زبان‌شناسی نظام‌مند؛

انسان‌شناسی فرهنگی

نوشتار دانشجویان به عنوان امری دربرگیرنده و مورد اعتراض

مدل‌های سواد دانشگاهی، هم دربرگیرندهٔ دیگر مدل‌هاست و هم آن‌ها را در درکی فراگیرتر از ماهیت نوشتار دانشجویان در درون فعالیت‌های نهادی، روابط قدرت و هویت‌ها قرار می‌دهد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. دیدگاه [حاضر] بر ارتباط سلسله‌مراتبی این مدل‌ها پافشاری داشته و رویکرد «سوادهای دانشگاهی» را از نظر مفهومی - و نه ترتیبی - متمایز و برتر می‌شمارد. از این دیدگاه، در تدریس و تحقیق، می‌توان به مسائل خاص مهارت‌ها در نوشتار دانشجویان پرداخت؛ مثلاً اینکه چگونه باید مقاله را آغاز کرد، یا به پایان رساند، و اینکه آیا می‌توان در رد اول شخص مفرد به کار برد؟ این خود معنایی کاملاً متفاوت با آنچه در مدل یادگیری دارد، پیدا می‌کند؛ به شرط آنکه فرایند [نوشتار] بخشی از اجتماع آکادمیک باشد. دانشگاهی - یا در شکلی گسترده‌تر - جنبه‌ای از کل هم‌بافت معرفتی و نهادی تلقی شود. ما هر مدل را به عنوان لنگرهایی که می‌توان با کمک آن نوشتار دانشجویان را توصیف کرد، خواهیم دید؛ با اینکه همان‌طور که در ادامه هم بحث خواهیم کرد، همهٔ نویسندگان از اینجا آغاز نکرده و یا خود را به این چهارچوب محدود نمی‌کنند.

رویکرد فنون یادگیری، سواد را به مثابه مهارت‌های اتمی و تکه‌تکه‌ای می‌داند که دانشجویان باید آن را آموخته و به مهارت‌های دیگر انتقال دهند. تمرکز بر تلاش برای «از بین بردن» مسائل و مشکلات یادگیری دانشجویان در قالب آسیب‌شناسی مطرح می‌شود. بر مبنای نظریه زبان، ویژگی‌های سطحی مانند دستور زبان و تلفظ مورد تأکید هستند. این دیدگاه بر مبنای روان‌شناسی رفتاری و برنامه‌های آموزشی شکل گرفته و نوشتار دانشجویان را فنی و ابزاری می‌بیند. در سال‌های اخیر، حساس‌نبودن این مدل، به ویرایش و اصلاح معنای «مهارت‌ها» انجامیده و توجه به مسائل گسترده‌تر یادگیری و هم‌بافت اجتماعی جلب شده است؛ آنچه لی و استریت (۱۹۹۸) رویکرد جامعه‌پذیری دانشگاهی می‌نامند.



از دیدگاه جامعه‌پذیری دانشگاهی، فعالیت مدرس قراردادن دانشجو در «فرهنگ» جدید، یعنی [فرهنگ] دانشگاهی است. تمرکز بر گرایش‌های دانشجویان در یادگیری و تفسیر فعالیت‌های یادگیری از راه مفهوم‌سازی‌های تمایز میان یادگیری «عمیق» و «سطحی» صورت می‌گیرد. این دیدگاه در روان‌شناسی یادگیری، انسان‌شناسی و تعلیم‌وتربیت ساخته‌تر ریشه دارد. با اینکه [دیدگاه جامعه‌پذیری] نسبت به دانشجو به‌سوزان یادگیرنده و هم‌بافت فرهنگی حساس‌تر است، ولی بر پایه‌های گوناگونی مؤلفه‌ها قرار گرفته است: به نظر می‌رسد فرض بر این است که دانشگاه فرهنگی به‌نسبت همگن داشته و برای دسترسی به کل نهاد آن باید هنجارها و فضاها را آموخت. حتی اگر در برخی سطوح، تفاوت‌های میان رشته‌های تحصیلی یا دانشکده‌ها تصدیق شوند، فعالیت‌های نهادی شامل فرایندهای تغییر و اعمال قدرت، به‌خوبی نظریه‌پردازی نشده‌اند. به‌رغم این حقیقت، عوامل هم‌بافت در نوشتار دانشجویان مهم است (هاونسل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴؛ تیلور<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸) این رویکرد به دنبال آن است که نوشتار را به‌مثابه رسانه‌ای بازنمایی‌شده ببیند و نمی‌تواند مسائل مرتبط با زبان، سواد و گفتمان مرتبط با تولید نهادینه و بازنمایی معنا را به شکل عمیق مورد بررسی قرار دهد.

رویکرد سوادهای دانشگاهی، سواد را به‌عنوان کنشی اجتماعی و مشابه با مطالعات میان‌فرهنگی سواد می‌بیند که محققان در مطالعات اخیرین سوادآموزی ارائه داده‌اند (بارتون و همیلتون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ بارتون، ۱۹۹۴؛ استریت، ۱۹۸۴ و ۱۹۹۳؛ هیث<sup>۴</sup>، ۱۹۸۴). این مدل نوشتار و یادگیری، [بیشتر] دانشجویان را مسائلی در سطح معرفتی و هویتی می‌داند تا مهارت یا

1. Hounsell

2. Taylor

3. Barton &amp; Hamilton

4. Heath



جامعه‌پذیری (لی در همین اثر). رویکرد سوادهای دانشگاهی، نهادهایی را که در آن کنش‌های دانشگاهی شکل می‌گیرند، مواضع گفتمان و قدرت می‌داند و تقاضاهای سواد در مطالب درسی را دربرگیرنده فعالیت‌های ارتباطی متنوعی مانند سبک‌های نوشتار، حوزه‌ها و رشته‌های دانشگاهی می‌پندارد. از دیدگاه دانشجویان، از جمله ویژگی‌های غالب فعالیت‌های یاد دانشگاهی نیاز به تغییر فعالیت‌ها میان موقعیت‌های مختلف با سارگیری بدنه‌ای از فعالیت‌های زبان‌شناختی متناسب با هر مکان، و کاربرد معنای اجتماعی و هویت‌های ایجادشده از آن‌هاست. چنین تأکیدی بر هویت‌ها و معنای اجتماعی، توجه را به کشمکش‌های ایدئولوژیک و تأثیرگذار عمیق می‌بخشد که در این تغییر و کاربرد ذخیره زبان‌شناختی رخ می‌دهد. مویس، یک دانشجو (من چه کسی هستم) ممکن است با فرم‌های نوشتار، و نیاز رشته‌های دانشگاهی مختلف به چالش کشیده شود؛ به‌ویژه تجویزها و دستورالعمل‌هایی درباره کاربرد شکل‌های مجهول و غیرفردی در تقابل با کاربرد شکل‌های معلوم و اول شخص [قرار می‌گیرند]، و ممکن است دانشجویان با حساسیت‌هایی از خود مقاومت نشان دهند: «این من نیستم» (لی، ۱۹۹۴؛ ایوانیک، ۱۹۹۱). شناخت این سطح از درگیری با نوشتار دانشجویان در تقابل با مطالعات مستقیم‌تر مهارت‌ها و رویکردهای اجتماعی‌سازی دانشگاهی، و یا ترکیب انواع متون در رویکرد سبک‌های نوشتاری<sup>۲</sup> (برکنکوتر و هاکین، ۱۹۹۵)، ریشه در گرایش‌های ایدئولوژیک و اجتماعی مطالعات جدید سواد دارد. همگام با این کار در حوزه تحلیل گفتمان نقادانه، انسان‌شناسی فرهنگی و زبان‌شناسی نظام‌مند<sup>۳</sup> نوشتار دانشجویان را [بیشتر] ساختارمند و بنیادی و متعارض

1. Ivanic

2. Genre

3. Berkenkotter &amp; Huckin

4. Systematic Linguistics

می‌بیند تا مهارت یا کاستی و فقدان [آن مهارت]. بدنه پیشینه مطالعاتی در حال رشد که بر مبنای این رویکرد شکل گرفته است، توضیح مسائل نوشتاری دانشجویان را همان خلأ میان انتظارات اساتید دانشگاهی و تفاسیر دانشجویان از آنچه می‌تواند شکل دهنده نوشتار دانشجویان باشد، می‌داند (کوهن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ لی، ۱۹۹۴؛ لی و استریت، ۱۹۹۸؛ بازمن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ گیزلر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳).

### ابهام و وضوح

هیچ‌یک از نویسندگان این کتاب به شکلی ثابت به یک مدل نپرداخته‌اند، بلکه به مدل‌های گوناگون ارجاع داده‌اند که درک ابعاد مختلف تحقیق و فعالیت را در این حوزه آسان کرده است، اما هر مقاله به شیوه‌ای ویژگی‌های مدل‌های مختلف را در فعالیت‌های نوشتار نهادینه خاصی ارائه کرده‌اند که ارائه مقاله، نوشتن مقاله یا تفسیر بازخورد مدرس را نشان می‌دهند. تمامی این مقاله‌ها میزان ارتباط این فعالیت‌ها به سیستم‌های زیربنایی ارزشی را نشان می‌دهند؛ بنابراین نوشتار دانشگاهی نه تنها «مهارت» انگاشته نمی‌شود، بلکه بیانگر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه‌ای است که گاه پنهان می‌ماند.

نویسندگان متعدد این مسائل را به شیوه‌های گوناگون و از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرده‌اند. نکته مهم در فرایندهای نوشتاری که این مسائل در آن ظهور می‌کند، در بازخورد و پیشنهادهایی است که به دانشجویان ارائه می‌شود. لی، با کاربرد رویکرد سوادهای دانشگاهی در تحقیق خود روی دانشجویان دانشگاه اوپن<sup>۴</sup>، جنبه‌هایی از تکالیف نوشتاری و بازخورد

1. Cohen

2. Bazerman

3. Geisler

4. Open University

اساتید را نشان می‌دهد که به شیوه‌های دیگری مورد توجه واقع نمی‌شدند؛ برای مثال، ترکیب تجربه‌های فردی دانشجویان از هم‌بافت‌های گسترده‌تر اجتماعی و نیازهای دانشگاهی که دربرگیرنده مسائل معرفتی و هویتی است که دو مدل پیشین (مدل‌های مهارت‌ها و جامعه‌پذیری دانشگاهی) هرگز بدان نمی‌پردازند. لیلیس با ارجاع به «فعالیت نهادی ابهام»، به ارزش‌های زیربنایی پاسخ‌های اساتید که تا حدودی از دانشجویان پنهان می‌مانند، اشاره می‌کند؛ درحالی‌که انگلیش، پنهانی آن را برای دانشجویان زبان دوم که این کسب موفقیت در نوشتار می‌کوشند، نشان می‌دهد.

ابعاد فرهنگی-آثیرگذاری فرهنگ‌های مختلف دانشگاهی بر درک معیارهای ارزیابی، زیبایی‌ان، و نیز ارتباط آن با قدرت، در توصیف لو و وودبرن در ارائه دانش‌جوی دایمی و موارد مورد علاقه‌اش در هم‌بافت دانشگاه انگلیسی بررسی می‌کند. است آن‌ها نشان می‌دهند چگونه انتقال از هم‌بافت فرهنگی فرد می‌تواند بر ماهیت و دریافت آن ارائه تأثیر بگذارد. جونز هم به همین شکل بر اهمیت کمات دانشجویان زبان دوم در مذاکره درباره انتظارات جامعه دانشگاهی [از آن] تأکید می‌کند تا بتوانند خودآگاهی و اعتماد به نفس را در درون آن اجتماع پیدا کنند. هرماشیت فقدان عمومی تصدیق این جنبه‌های پیشینه دانشجویان را مورد تأکید قرار می‌دهد، و لیلیس نیز احساس دانشجویان را که تجربه و صدای آن‌ها نادیده گرفته می‌شود، [به نمایش می‌گذارد].

می‌توان بخشی از این خلأ را که برخی نویسندگان میان انتظارات اساتید و دانشجویان مشاهده و ثبت کرده‌اند، با شیوه‌هایی توصیف کرد که در آن ماهیت فرهنگی سنجش‌ها و معیارهای ارزیابی را با مفاهیمی چون «وضوح»، «ساختار»، و «بحث» - که اغلب بدیهی و بی‌توضیح مانده‌اند - نشان می‌دهند. ترنر برای توضیح برخی مسائل توصیف‌ناشدنی به مفهوم

«دانش ضمنی»<sup>۱</sup> پولانی<sup>۲</sup> اشاره می‌کند؛ درحالی‌که بحث استریت و همکارانش «سوادهای دانشگاهی» مسائل راهبردی و نظری را در ارتباط با «وضوح» ارائه می‌دهد. لیلیس نشان می‌دهد آنچه ممکن است یک سردرگمی خودمتناقض حول «وضوح» انگاشته شود، با ترکیب با آنچه وی آن را «فضای مونولوگ» میان دانشجو و استاد می‌نامد - که در آن دانش‌ریان از پرسیدن پرسش‌های روشن منع می‌شوند - بر نیاز به تمرکز پایدار بر خلاف فرازبان تمام‌تهادینه‌شده ارزیابی و درک فرضیه‌های معرفت‌شناسانه، آموزشی، زبان‌شناختی و بیانی<sup>۳</sup> تأکید دارد.

کتاب حاضر با ارائه این تمرکز پایدار، می‌کوشد زبان روشنی را برای توضیح فرایندهای زبانی در ستار دانشجویان و ارتباط دانشجویان با اساتید حول نوشتار در هم‌بافت‌های نهادی آموزش عالی مدرن به کار گیرد. از خلال مطالعات موردی مفصل در نویسی که در این کتاب ارائه شده‌اند، می‌توانیم بیشتر ببینیم که چه اتفاقی در این هم‌بافت‌ها رخ می‌دهد، ابعاد پُر بارتر فرایند نوشتار را درک کنیم و احتمالاً تفسیح برخی از نکات متعارض و سوءدرکی را بفهمیم که زیربنای بسیاری از مسائل مرتبط با نوشتار در دانشگاه را شکل داده‌اند.